گفت‌وگو با علی رهبری، مدیر هنری ارکستر سمفونیک تهران

به حواشی توجهی ندارم

عکس: امیر جدیدی / شهروند

ارکستر سمفونیک تهران در سال‌های اخیر با افت‌وخیزهای زیادی مواجه بوده است، با این حال به‌نظر شما اصلی‌ترین حرکتی که باید درباره به ثبات رساندن این ارکستر صورت بگیرد، چیست؟

وجود رهبر در حال حاضر مهم‌ترین مسأله‌ای است که باید در ارکستر سمفونیک تهران به آن توجه کرد. درواقع فکر می‌کنم، مهم‌ترین گرفتاری همه ارکسترهای دنیا پیداکردن رهبری مناسب برای آن است. البته رهبر ارکستر زیاد داریم، آنچه اهمیت دارد، این است که رهبر بتواند عملکرد موثری در یک ارکستر داشته باشد. در همه‌جای دنیا رسم معمول به این شکل است که رهبرهای ارکستر به فراخور فعالیت، پیشینه و عملکردی که دارند درجه‌بندی می‌شوند و براساس آن دستمزدمی گیرند. هر کدام هم قیمت‌های متفاوتی دارند. معمولا رهبرهای خوب ارکستر در سایر کشورها بین ۱۰ تا ۲۰ هزار یورو دستمزد می‌گیرند. آن هم برای پنج روز کار ولی متاسفانه در ایران همیشه نسبت به استفاده از رهبر ارکستر صرفه‌جویی شده است، یعنی درست جایی که نباید صرفه‌جویی می‌شده این کار صورت گرفته است. در این زمینه، من ارکستر را به ماشینی تشبیه می‌کنم که درست زمانی که باید درباره راننده و اصول سرویس اصلی آن تصمیمات درست گرفته می‌شده صرفه‌جویی کرده‌اند و با استفاده از قطعات ارزان، این ماشین را به گرفتاری انداخته‌اند. روی این اصل در پاسخ به سوال شما باید بگویم بزرگترین گرفتاری من در حال حاضر این است که به دنبال رهبر ارکستر خوب بگردم، به این خاطر که من شش یا تاکنون مدیر هنری ارکستر بوده‌ام و طبعا هر مدیر هنری دلش می‌خواهد که بهترین رهبر را برای ارکستر بیاورد. من ۱۰ سال رئیس هنری بزرگترین صادرکننده سی‌دی یعنی «کیخ اینترنشنال» بوده‌ام، یعنی با دهها خوانننده، دهها رهبر ارکستر، دهها نوازنده و ... قرارداد می‌بستم تا آثار خود را ضبط کنند. در این زمینه اگر چه فعالیت‌های خوبی انجام شد اما خیبا تجربه‌های بدی هم به دست آوردم. به‌عنوان مثال، یک رهبر ارکستر ممکن بود عملکرد خوبی در ارکستر داشته باشد، ولی وقتی به استودیو می‌آمد تا یک اثر را ضبط کند برآیند کار به آن خوبی که انتظار می‌رفت نمی‌شد. یا گرفتاری‌هایی از این قبیل. یا در برخی موارد، رهبر یک ارکستر در کشورهای دیگر به قدری باداخلاق بوده که عرصه را به نوازنده تنگ می‌کرده ولی نوازنده تحمل می‌کرده است. البته این تحمل کمتر بین نوازندگان ایرانی به چشم می‌خورد. ضمن این که معتقدم نوازنده خوب، هیچگاه رابهر ارکستر مشکل پیدا نمی‌کند. به خاطرم هست، چندی پیش در ارکستری که در ایران درست کرده بودم، وقتی به دلیلی یک روز نمی‌توانستم در ارکستر حاضر شوم، همه غمگین می‌شدند. البته آن زمان نوازندگان در کار خود بیشتر جدی بودند.

پس نتیجه‌می‌گیریم که رهبر ارکستر مثل یک نقطه پرگار می‌ماند که همه حول محور آن فعالیت می‌کنند؟

همین‌طور است. در این زمینه اصطلاحی وجود دارد که یک مقدار با افراغی توأم است و آن این که به قول «توسانی نی»، ارکستر بدون رهبر وجود ندارد. من هم به این مسأله معتقدم که ارکستر بدون رهبر وجود ندارد و همه‌چیز به رهبر یک ارکستر بستگی دارد. منظورم این است که ۹۰ درصد آنچه که باید در یک ارکستر وجود داشته باشد به رهبر برمی‌گردد، حالا ممکن است آن ۱۰ درصد بقیه به عوامل دیگری بستگی داشته باشد و از عهده رهبر ارکستر خارج باشد.

شما در نشست خبری که در هفته‌های گذشته برگزار کردید به این مسأله اشاره کردید که قرار است از حضور جمعی از نوازندگان خارجی در این ارکستر بهره بگیرید. پیش از شما هم هنرمندانی بودند که برای بهبودبخشی به اوضاع ارکستر سمفونیک، چنین وعده‌هایی دادند ولی این مسائل به دلیل کمبود بودجه میسر نشد. درباره شما این امر به چه شکل است؟

واقعیت این است که درباره خود من عکس این مسأله وجود دارد. به این معنی که بودجه این کار از یک ماه و نیم پیش به من تعلق گرفته ولی من سعی کردم در این زمینه با تأمل پیش بروم. چون می‌خواستم در درجه نخست از ترکیب نوازندگان ایرانی در این ارکستر استفاده کنم، روی این اصل هم و غم خود را برای یافتن نوازندگان خوب و زبده ایرانی در این ارکستر گذاشتم. البته من پیش از انقلاب نیز که رئیس کنسرواتوار و همین‌طور رئیس هنرستان موسیقی ملی بودم‌ام هم براین باور بودم که تا زمانی که می‌توان در ارکسترها از نوازندگان ایرانی استفاده کرد چرا باید به سمت نوازندگان اروپایی برویم؟! درواقع آن زمان هم یکی از بزرگترین اختلافات من با وزیر آن موقع در همین نکته بود. هنوز هم اعتقاد راسخ دارم که اگر تمرکزمان را روی ارکستر صد نفره از نوازندگان ایرانی بگذاریم، سه‌سال دیگر یک ارکستر درجه یک ایرانی خواهیم داشت. به هرحال در شرایط فعلی، هنرمندان درجه یکی که در کشورهای دیگر به تحصیل موسیقی مشغولند به من نامه نوشته‌اند که می‌خواهند در این ارکستر حضور داشته باشند، ضمن این که بودجه‌ای به من داده شده تا تشنی ارکستر خارجی را به این ارکستر بیاورم. من نیز پیش از عید، ۱۵ روز، صرف مطالعه و تحقیق در این زمینه کردم و لااقل عملکرد ۵۰ نوازنده خارجی را بررسی و از بین آنها شش نوازنده انتخاب کردم. از آنجایی که ما همیشه در ارکسترهایمان از جنبه سازهای بادی در مضیقه بوده‌ایم، سعی کردم نوازندگان خارجی بیشتر در این زمینه باشند؟ اگر چه تاکنون نه‌تنها که طی سال‌های اخیر، ورق برگشته و تعداد نوازندگان ایران که به سازهای بادی مسلط هستند افزایش یافته که این مسأله در نوع خود اتفاق خوبی تلقی می‌شود. به هرحال، تا روزی که نیاز نباشد، از نوازندگان خارجی در ارکستر استفاده نمی‌کنم. چه بسا اگر نوازنده خوب ایرانی در ارکستر فعالیت کند همان دستمزدی که قرار است به نوازنده خارجی بدهم را به او تعلق خواهم داد. البته به‌نظر می‌رسد در شرایط کنونی تاحدودی از مشکلاتی که در ارکسترها وجود داشته کم شده است. به همین خاطر است که دلم می‌خواهد بعد از ۴۰ سال دوباره به هنرستان موسیقی که سال‌ها پیش هم در دو دوره، مدیریت آن را برعهده داشتم برگردم و به ساماندهی بار‌های امور از ساز تا معلمان بپردازم.

به‌نظر تان این مسأله امکان‌پذیر است؟

بله به‌خاطر این که همان‌طور که اشاره کردم، امروز شرایط موسیقی در کشور ما بهتر شده است. همان‌طور که نوازندگانی که در ارکسترها امروز فعالیت می‌کنند به مراتب با نوازندگان ۴۰ سال پیش متفاوت هستند. امروز در عرصه موسیقی ایرانی هنرمندان شاخص کم نداریم که استادانی چون داریوش طلایی، حسین علیزاده و... از این جمله‌اند که به شهرت رسیده‌اند و موسیقی ما را به اعتلا رسانده‌اند. البته همان‌طور که اشاره کردم در حیطه موسیقی ما نواقصی در سال‌های اخیر وجود داشته است. به‌عنوان مثال در زمینه سازهای بادی اندکی غفلت شده است. با این حال، من آدم خوش‌بینی هستم و فکر می‌کنم ارکستر سمفونیک تهران در کوتاه‌مدت، می‌تواند چشم‌انداز خوبی داشته باشد و به نتایج مطلوبی هم دست یابد. یعنی برخلاف برخی که وقتی صحبت از ارکستر سمفونیک تهران می‌شود به این نکته اشاره می‌کنند که ارکستر سمفونیک تا رسیدن به درجات مطلوب خیلی جای کار دارد، این طور فکر نمی‌کنم و برای این باور هم که این ارکستر در مدت زمان کوتاه به درجات خوبی می‌رسد.

ولی به‌نظر می‌رسد که به‌طور کلی ارکسترها به آن شکلی که باید نتوانسته‌اند در کشورمان از فعالیت مستمر برخوردار شوند. خود شما دلیل این مسأله را در چه نکته‌ای می‌دانید؟

به‌نظرم این مشکلات فقط در ایران نیست، بلکه در همه جای دنیا این افت وخیزها در ارکسترها وجود داشته‌اند. به‌عنوان مثال در بالرومو، بروکسل و خیلی از جاهای دیگر دنیا نیز اوضاع به این شکل است. گاه می‌بینید یک ارکستر در آن سوی دنیا، این قدر بی‌نظم کار می‌کند که نتیجه‌ای که باید از این ارکستر حاصل نمی‌شود. با این حال، ارکستر سمفونیک تهران بعد از انقلاب فعالیت‌های زیادی کرد و از رهگذر این فعالیت، عملکرد خوبی هم از خود به‌جای گذاشته است، ولی خب! به قول شما آن فعالیت مستمر هیچ‌گاه در زمینه ارکسترهای ما وجود نداشته است. درواقع اگر می‌بینید که ارکسترها در ایران با مشکلات زیادی مواجه هستند به‌خاطر عملکرد برخی از نوازندگان است. این حقیقت تلخی است که همیشه به آن اشاره کرده‌ام. می‌خواهم بگویم در ارکستر سمفونیک تهران در دوره‌های گذشته، به‌جای نوازنده، تعدادی فعالیت می‌کردند که انتظار داشتند بدون کار کردن، دستمزد بگیرند. این افراد نه‌تنها در ارکستر کار نمی‌کردند که موجب اختلال و کارشکنی نیز می‌شده‌اند. اما از زمان ورود من به این ارکستر سعی کرده‌ام این روبه آرین برود و به‌جای آن، نظم و انضباط حاکم باشد. بر این اساس، تعیین کرده‌ام که نوازنده باید روزی سه ساعت در ارکستر برای تمرین حضور داشته باشد. به همین خاطر، تصور می‌کنم مشکلات ارکستر سمفونیک تهران را نباید فقط سیاه و سفید دید. این مشکلات زوایای دیگری نیز در این سال‌ها داشته‌اند که باعث شده ارکستر در مقطعی در رکود قرار بگیرد. البته همان‌طور که اشاره کردم، درحال حاضر وضع موسیقی در کشور ما امیدوارکننده و رو به بهبودی است. چند روز پیش، خبرنگار معروف یکی از شبکه‌های تلویزیونی در یکی از کشورهای اروپایی با من مصاحبه کرد و پرسید: فکر می‌کنید رئیس‌جمهوری فعلی ایران، آقای روحانی، راه‌اندازی ارکسترها را براساس حرکت‌های سیاسی انجام داده است؟ من نیز پاسخ دادم: البته اگر این حرکت سیاسی بود بهتر بود چون معلوم است که مهم شده‌ایم ولی نه، این حرکت سیاسی نیست و فقط نشانگر فرهنگ پرقدمت ایران است. آن خبرنگار پرسید: به‌نظر شما بعد از گذشت چندسال و با روی کار آمدن رئیس‌جمهوری جدید، این ارکستر می‌تواند به حیات خود ادامه دهد؟ من نیز پاسخ دادم: کار ارکستر شانسی است و بستگی زیادی به‌نظر مدیران فرهنگی و همیاری شهرداری‌ها دارد. واقعیت هم همین است. نه‌تنها در ایران که در تمام کشورهای دنیا وضاع به این شکل است. به‌خاطرم هست، یکی از رئیس‌جمهوری‌های کرواسی در سال‌های اخیر، آهنگساز بود و به موسیقی در کشورش اهمیت زیادی می‌داد. با رئیس‌جمهوری چک به موسیقی علاقه زیادی داشت که وقتی با هم ملاقات می‌کردیم، ساعت‌ها درباره موسیقی صحبت می‌کردیم. با شهرداری در مالاگا بود که موسیقی دوست داشت و هروقت در آن جا کنسرت می‌دادم در این کنسرت‌ها حضورمی‌یافت. حالا که رئیس‌جمهوری ما به موسیقی توجه زیادی نشان داده، این امر را باید به فال نیک گرفت و اتفاق خوبی قلمداد کرد. ضمن این که اگر ارکستر سمفونیک تهران به نتایج و خروجی خوبی برسد، همه به آن افتخار می‌کنند و حتی اگر جهانی هنر، ادبیات و رسانه بود! بیست و... را نیز ثبت کرده است. رهبری طی ماه‌های اخیر با حکم معاونت هنری وزارت ارشاد به‌عنوان مدیر هنری ارکستر سمفونیک تهران منصوب شده است. با او درباره طرح و برنامه‌هایی که برای این ارکستر در نظر دارد به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

> **آزاده صالحی**
> روزنامه‌نگار
>
> **علی رهبری یکی از هنرمندان معاصر عرصه موسیقی است، او از دوران کودکی با موسیقی آشنا شد و سپس برای تحصیل در این رشته به هنرستان موسیقی ملی رفت و از محضر استادانی چون رحمت‌الله بدیعی، حسین دهلوی و... به فراگیری موسیقی پرداخت. رهبری در ۱۷ سالگی به‌عنوان نوازنده ویولن در ارکستر صبا فعالیت خود را شروع کرد و بعد از آن برای ادامه تحصیل به اتریش رفت و تحصیلات خود را در رشته آهنگسازی در آکادمی موسیقی وین به پایان رساند. او در سال ۱۹۹۷ با دعوت از ۶۰ تن از نوازندگان ایرانی مقیم اروپا و آمریکا، ارکستر فیلارمونیک بین‌المللی ایرانی را تشکیل داد و با رهبری این ارکستر، تعداد زیادی از آثار آهنگسازان مشهور ایرانی و غیرایرانی را اجرا کرد. رهبری در سال ۲۰۰۵ به ایران بازگشت و رهبر ارکستر سمفونیک تهران شد. رهبری تا امروز بیش از ۱۲۰ ارکستر در سراسر جهان از جمله ارکستر فیلارمونیک برلین، ارکستر ملی فرانسه، ارکستر فیلارمونیک لندن، ارکستر رادیو و تلویزیون بلژیک و... را رهبری کرده است و حدود ۱۲۰۰ اثر موسیقی کلاسیک جهانی را ضبط کرده است. این هنرمند با سابقه در کارنامه خود دریافت جوایزی چون مدال طلای حقوق بشر، نشان طلای مسابقات جهانی بهترین رهبر جوان ارکستر در فرانسه، نشان دوورژاک به خاطر همکاری با ارکستر فیلارمونیک چک، جایزه شیر طلایی آکادمی جهانی هنر، ادبیات و رسانه بوداپست و... را نیز ثبت کرده است. رهبری طی ماه‌های اخیر با حکم معاونت هنری وزارت ارشاد به‌عنوان مدیر هنری ارکستر سمفونیک تهران منصوب شده است. با او درباره طرح و برنامه‌هایی که برای این ارکستر در نظر دارد به گفت‌وگو نشسته‌ایم.**

شما در لابه‌لای گفت‌وگو به این مسأله اشاره کردید که بعد از گذشت ۴۰ سال، هنوز هم دلتان می‌خواهد به هنرستان موسیقی برگردید و تحولاتی در آن ایجاد کنید، با این تفاسیر در شرایط فعلی مایل هستید چه تحولاتی در ساختار ارکستر سمفونیک تهران ایجاد کنید؟

خب! امروز ارکستر در سطح بالایی فعالیت خود را شروع کرده است. روش من نیز در شرایط فعلی به‌گونه‌ای است که اگر نوازنده‌ای در ارکستر خوب کار نکند، عذر او را می‌خواهم. زیرا ما نه موسسه خیریه هستیم و نه با نوازنده‌ای تعارف داریم. اعتقادم براین است که آمده‌ام تا این ارکستر را درست کنم. این کار برای من، مثل طرح تاتمام است که باید آن را به بهترین شکل به‌سامان برسانم. به حواشی هم توجهی ندارم و کار خود را می‌کنم. حواشی درباره من همیشه بوده و گویی تمامی هم ندارد. من از ۱۰ سال پیش که به ایران آمده‌ام عاشق این مسأله بوده که بتوانم در ساختار ارکستر سمفونیک تهران تحولات گسترده‌ای ایجاد کنم. حتی ۵ سال پیش هم می‌خواستم به ایران بیایم و ارکستر «پارسیان» را راه‌اندازی کنم که با سنگ‌اندازی‌هایی مواجه شدم. از جمله این که چند روز مانده به برگزاری کنسرت، یکی از مسئولان به من تلفن کرد و گفت: این کنسرت باید کنسل شود چون یکی از روزنامه‌ها نوشته که شما مسیحی شده‌اید. من هم جواب دادم: چطور می‌توانید یک کنسرت را به‌خاطر شایعه یک نشریه کنسل کنید؟ خلاصه این کنسرت برگزار نشد، ولی من تعجب کردم از این که به این شایعه بی‌اساس اهمیت داده شده بود. همسر من سال‌ها پیش از دین مسیحیت به اسلام گرویده و مسلمان شد. حالا چطور ممکن است من بروم و مسیحی شوم؟! می‌خواهم بگویم زندگی کاری من همیشه با این جور حواشی توأم بوده است، ولی اهمیتی ندادم‌ام. خاطرم هست، وقتی ۱۲ سالم بود از کنسرتی در تلویزیون در برنامه کیهان بچه‌ها وجود داشت که من به همراه جمع دیگری از نوجوانان به آن جا می‌رفتیم و برنامه اجرامی کردیم. از آن جایی که من در محله‌ای در جنوب شهر زندگی می‌کردم، برای حضور در آن برنامه که یک روز در هفته بود با لباس‌های تمیز و شیک در محله ظاهر می‌شدم که همین مسأله موجب می‌شد برخی از بچه‌محل‌ها مرا هو کنند. حالا هم فکر می‌کنم کسانی که امروز این حواشی را به‌وجود می‌آورند، نوه همان افرادی هستند که در بچگی مرا هو می‌کردند. به هرحال دامن زدن به این حواشی باعث تاسف است و جالب است که هیچ‌کدام از این افراد در این سال‌ها به این مسأله فکر نکرده‌اند که من چقدر سعی کرده‌ام در مسیر اعتلای موسیقی ایرانی قدم بردارم.

برخی هنرمندان به این مسأله اشاره می‌کنند که به جای این که در یک ارکستر از آثار فاخر هنرمندان وطنی استفاده شود، هنوز هم برخی ترجیح می‌دهند قطعات بتهوون یا چایکوفسکی را که بارها در کشورهای مختلف به بهترین شکل اجرا شود را بزنند. نظر شما در این باره چیست؟

من معتقدم ارکستر سمفونیک، هیچ جای دنیا، هویتی ندارد. پایه ارکستر سمفونیک، هایدن و موتزارت و بتهوون هستند. همان‌طور که پایه پزشکی، چیزهای غیرقابل انکار است.

ولی وقتی این ریرتوارها در ارکسترهای مختلف تکرار شوند، آیا لطفی خواهند داشت؟

تکرار نمی‌شوند، چون این قدر در وادی موسیقی کلاسیک ریرتوار زیاد و گسترده است که امکان تکرار وجود ندارد. البته در پاسخ به سوال شما باید بگویم ما تصمیم داریم آثار آهنگسازان بزرگ ایرانی را در ارکستر سمفونیک اجرا کنیم. کما این که ۱۰ سال پیش که به ایران آمدم در کنار قطعه نهم بتهوون که اجرا کردیم، یک قطعه هم از علیرضا مشایخی اجرا کردیم. ضمن این که آقای صهبایی تا امروز زحمات زیادی کشیده‌اند و آثار هنرمندان ایرانی را ضبط کرده‌اند. پس این مسأله یعنی اجرای آثار آهنگسازان مطرح ایرانی در ارکسترها نادیده گرفته نشده است. حتی خاطرم هست، خود من ۳۵ سال پیش در آلمان، آثار ۶ آهنگساز ایرانی را ضبط کردم که در نوع خود کاری مادگار تلقی می‌شود در ایران هم همان‌طور که اشاره کردم، آثار اغلب آهنگسازان بزرگ ایرانی به‌رغم بی‌بدیلی و نبود بودجه و مشکلات دیگر اجرا شده است. ولی واقعیت این است که ارکستر سمفونیک تهران نیز مانند پزشکی یا رشته‌های دیگر باید هایی دارد که باید از آن تبعیت کند. این هم درباره تمام کشورهای جهان است. یعنی ریرتوار موسیقی کلاسیک در همه‌جای دنیا از عراق و ترکیه و مکزیک گرفته تا ایران و کشورهای اروپایی یکسان است.

به‌نظر شما چرا موسیقی ما حتی در مقایسه با کشورهای همسایه نتوانسته به آن شکلی که باید در مجامع بین‌المللی مطرح شود؟

این مسأله‌ای است که نیازمند جبران است. تصور می‌کنم قدم اول را در این زمینه باید ارکستر موسیقی ملی بردارد. ضمن این که آهنگسازان ایرانی باید بیشتر مورد تشویق واقع شوند تا بتوانند قطعات بهتری بنویسند.

فکر می‌کنید رایزن‌های فرهنگی ما در کشورهای مختلف هم‌می‌توانند در پررنگ کردن موسیقی ایران موثر باشند؟ زیرا تا امروز هم اگر موسیقی ایران مجالی برای مطرح‌شدن پیدا کرده، بیشتر متکی به تلاش‌های فردی خود هنرمندان بوده است؟

بله، ولی به‌هرحال این مسأله آمد نیامد دارد که کما این که خاطرم هست چندسال پیش هم ارکستر در زمان آقای احمدی‌نژاد برای اجرا به اروپا رفت. خب! این حرکت یعنی اجرای ارکستر ایران در اروپا خوب بود ولی از آن‌جایی که این ارکستر برنامه‌ریزی درستی نداشت، نتوانست نتیجه خوبی در پی داشته باشد. این است که معتقدم کار باید به دست کاردان سپرده شود. باید به این نکته توجه کنیم که همه‌چیز به دست دولت میسر نمی‌شود، بخشی از این مسأله هم به هنرمندان عرصه موسیقی برمی‌گردد که می‌توانند با برنامه‌ریزی و عملکرد درست در معرفی موسیقی ایرانی نقش داشته باشند.

در ارکستر برخی از کشورها، شرایط به این شکل است که صرف‌نظر از اجرای آثار موسیقایی هنرمندان خود، هزارگاهی از آثار هنرمندان دیگر کشورها نیز استفاده می‌کنند. آیا ممکن است در آینده در ارکستر سمفونیک ما نیز چنین تبادلی نسبت به آثار موسیقایی کشورهای دیگر صورت بگیرد؟

چرا که نه. ببینید ماهیت ارکستر سمفونیک این است که آثاری را اجرا کند که بتواند در ارتقای سطح موسیقی جامعه نقش داشته باشد. ضمن این که مردم ما هنوز با بخش اعظمی از آثار موسیقایی داخلی و خارجی آشنایی چندانی ندارند. از اینها گذشته معتقدم ارکستر سمفونیک هر قطعه‌ای که خوب باشد، را می‌تواند بزند. همان‌طور که در همه‌جای دنیا این مسأله متداول است. البته در ایران نیز در طول سال‌های گذشته این کار صورت گرفته و حتی خود من ۴۰ سال پیش، یعنی ۵، ۶ سال قبل از این که انقلاب شود، قطعه «توحه‌خوان» را در وین با ارکستر سمفونیک وین اجرا کردم. من سال‌هاست که در عرصه موسیقی، به شکل حرفه‌ای کار کرده‌ام. ۴۰ سال از عمرم را با بیش از ۱۲۰ ارکستر دنیا در بیش از ۲۰۰ کشور گذرانده‌ام و حالا در این برهه زمانی، به ایران آمده‌ام تا مدیریت هنری ارکستر سمفونیک تهران را برعهده بگیرم که برایم جای خوشبختی است. به ویژه این که وزارت ارشاد و نهادهای مرتبط با جان و دل، مرا در این زمینه یاری داده‌اند. من هم به نوازندگان ارکستر کمک می‌کنم تا این ارکستر بتواند به یمن مولفه‌های خوبی که دارد به سطح بالایی دست یابد.

ارکستر سمفونیک تهران و آثار آهنگسازان ایرانی

> **شاهین فرهت**
> آهنگساز

راه‌اندازی ارکستر سمفونیک تهران توجه بیشتری شود. البته ناگفته نماند که در این زمینه کارهایی صورت گرفته و به‌طور مشخص، علی رهبری از جمله هنرمندانی بوده است که در سال‌های اخیر آثار برخی از بزرگان موسیقی ایران را ضبط کرده است، با این حال جای برداختن بیشتر به این مسأله امروز در ارکستر سمفونیک تهران وجود دارد. این مسأله در برهه‌های مختلف زمانی به آن اشاره کرده‌ام و آن اجرای آثار بزرگان موسیقی است. بدیهی است که اجرای آثار بزرگان موسیقی جهان مانند بتهوون، برامز چایکوفسکی، موتزارت و... مقدس است و فوایدزیادی در پی دارد. نخست این که اجرای این آثار می‌تواند با آموزشی برای نوازندگان و اصولا هنرمندان جوان در پی داشته باشد و دیگر این که مخاطبان و دوستداران موسیقی مجالی می‌یابند تا با آثار هنرمندان شهیر جهان بیشتر آشنا شوند. اما درعین حال، به نظر می‌رسد ضرورت دارد در کنار اجرای آثار موزسیین‌های صاحب‌نام جهان، به اجرای آثار آهنگسازان ایرانی نیز توجه بیشتری شود. البته ناگفته نماند که در این زمینه کارهایی صورت گرفته و به‌طور مشخص، علی رهبری از جمله هنرمندانی بوده است که در سال‌های اخیر آثار برخی از بزرگان موسیقی ایران را ضبط کرده است، با این حال جای برداختن بیشتر به این مسأله امروز در ارکستر سمفونیک تهران وجود دارد. این مسأله در برهه‌های مختلف زمانی به آن اشاره کرده‌ام و آن اجرای آثار بزرگان موسیقی است. بدیهی است که اجرای آثار بزرگان موسیقی جهان مانند بتهوون، برامز چایکوفسکی، موتزارت و... مقدس است و فوایدزیادی در پی دارد. نخست این که اجرای این آثار می‌تواند با آموزشی برای نوازندگان و اصولا هنرمندان جوان در پی داشته باشد و دیگر این که مخاطبان و دوستداران موسیقی مجالی می‌یابند تا با آثار هنرمندان شهیر جهان بیشتر آشنا شوند. اما درعین حال، به نظر می‌رسد ضرورت دارد در کنار اجرای آثار موزسیین‌های صاحب‌نام جهان، به اجرای